

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حضرت

زکریا علیہ السلام

سید جواد حسینی

سرشناسه	: حسینی، سید جواد، ۱۳۴۶
عنوان و نام پدیدآور	: حضرت رقیه علیها السلام / سید جواد حسینی
مشخصات نشر	: قم: پیام حجت علیه السلام، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	: ۷۴ ص. ۱۲×۷ س. م. شابک. ۹۷۸-۹۶۴-۸۸۴۱-۷۹-۴
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
یادداشت	: کتابنامه ۷۲-۷۴ همچنین بصورت زیر نویس
موضوع	: رقیه علیها السلام بنت الحسین علیه السلام ، ا. ع.
شماره ثبت کنگره	: ۱۳۹۲BP۵۲/۲ ۴۴۴۷/۷
ارده ملی	: ۲۹۷/۹۷۹ شماره کتابشناسی ملی: ۳۲۷۹۹۹۶



انتشارات پیام حجت علیه السلام

حضرت رقیه علیها السلام

سید جواد حسینی

شمارگان: ۵۰۰۰ - چاپ: اول، گلها

شابک: ۴ - ۷۹ - ۸۸۴۱ - ۹۶۴ - ۹۷۸

مرکز پخش: انتشارات پیام حجت علیه السلام

۰۹۱۲۱۵۳۲۶۱۹-۰۲۵۳۷۷۴۳۸۵۱

۸۰۰ تومان

فهرست مطالب

- ۶..... طواف شمع
- ۷..... وجود رقيه علیه السلام در هاله ای از ابهام
- ۹..... تعداد دختران امام حسین علیه السلام و منابع تاریخی
- ۱۲..... چرا حریب نام رقيه علیه السلام در کتب ائمه نیامده
- ۱۴..... شواهدی بر جرد رقيه علیه السلام
- ۱۴..... شاهد ۱
- ۱۶..... شاهد ۲
- ۱۷..... شاهد ۳
- ۱۸..... شاهد ۴
- ۱۹..... شاهد ۵

تحقیقی درباره حضرت رقیه رضی الله عنها ۲

شاهد ۶ ۲۲

شاهد ۷ ۲۴

شاهد ۸ ۲۸

رقیه در کتب تاریخی قرن هفتم به بعد ۳۱

کامل سیخ بهانی ۳۱

محمد حسن آروانی ۳۶

حاج میرزا حبیب الله حسینی ۳۷

احمد شافعی و محلاتی ۳۸

مادر رقیه کیست؟ ۴۰

وفات جانسوز ۴۲

زمان شهادت شهادت ۴۳

سخنان جانسوز رقیه ۴۶

محدث قمی و بیان سرگذشت با شعر..... ۴۷

سر بریده در خرابه شام..... ۵۵

غوغا در خرابه شام..... ۵۷

برمش جانسوز غصه..... ۵۹

گرامت از دیه..... ۶۱

خواب غمگین در راه دمق..... ۶۲

داستان آیه الله سید مهدی خراسانی..... ۶۸

مرغ دلم خرابه شام را از روی من..... ۷۰

جمع بندی..... ۷۱

منابع..... ۷۲

طواف شمع چون پروانه می کرد
به دستش زلف بابا شانه می کرد
پدر را از لب خود نوش می داد
از آن سو عمه او گوش می داد

بر روی پدر راناز می کرد برایش عقده دل باز می کرد
بمیزبان سر نورانی تو چرا خون ریزد از پیشانی تو
رخ من نیل از سید است ای سر

لبان تو چرانیلی است ای سر
مگر چوب جفا بوسیده بابا خون بر روی او خشکیده بابا
تو از چوب جفا داری نشانه مرا باشدشان از تازیانه
در آن شب، شام را شوری دگر بود
تو گویی شام عاشوری دگر بود
سه ساله دختری چون «ماهپاره»

فرو می ریخت از چشمش ستاره
زتو دارم تمنا جان بابا مرا با خود ببر در نزد زهرا
که گیرم دربغل مانند جانش دهم من جای سیلی رانشانش